

Spirituality and Alterglobalization: Two Religious Answers to Global Liberalism

Joanildo A. Bury *

Received: 2018/10/20

Translated by: Maryam Ghazi Esfehani **

Accepted: 2018/12/11

Abstract

Neoliberalism claims a better progression of public welfare if it is carried out through liberating individual entrepreneurship within an institutional framework which observes private property rights as well. Modern conservative policies that are propagated by Neoconservatives are all related to neoliberalism. Essentially, these are to undermine the inbuilt liberalism. Innovations based on religious faith enable the government to conform to what neoliberalism has created. A weakened country cannot resist neoliberalism which supports world market at the cost of national unity. In the first era of American formation, religious inclinations arising from a relatively autonomous life environment almost shaped the fundamental initiatory elements. The voluntary section in the US is far from a fall. But nobody doubts that several forms of voluntary acts in formal political activities and institutions have diminished in recent decades or Americans show less tendency to trusting political leaders.

Keywords: Neoliberalism- Alterglobalization- Spirituality- Globalization

*Lecturer and Director of Faith and Globalization Program in Durham University, England

*PH.D. Candidate of Culture and Communication, Baqir-al-Ulum University

maryam_ghazi2002@yahoo.com

مقاله «ترجمه» دوفصلنامه علمی نامه فرهنگ و ارتباطات، سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۶) بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۷۷-۱۰۴

معنویت کارگشا و آلترگلوبالیسم^۱ عالم گیر؛

دو پاسخ مذهبی به نئولیبرالیسم جهانی

جونیلدو ای. بوریته *

مترجم: مریم غازی اصفهانی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

چکیده

نئولیبرالیسم ادعا می‌کند که اگر رفاه عمومی با رهاسازی آزادی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی فردی در یک چارچوب نهادی که توسط حقوق مالکیت خصوصی مشخص شده، بازارهای آزاد و تجارت آزاد باشد، بهتر به پیش رفته است. سیاست‌های نوین محافظه‌کارانه که با نومحافظه‌کاران ترویج می‌شوند، با نئولیبرالیسم مرتبط هستند. اساساً، این‌ها درصدد تضعیف لیبرالیسم تعبیه شده هستند. ابتکارات مبتنی بر ایمان، دولت را قادر می‌سازد تا با آنچه نئولیبرالیسم در ایجاد آن به وجود آورده، سازگار باشد. یک کشور تضعیف شده قادر به مقاومت در برابر نئولیبرالیسم نیست که به قیمت همبستگی‌های ملی از بازارهای جهانی حمایت می‌کند. در آمریکای اولیه، جهت‌گیری‌های مذهبی ناشی از یک محیط زندگی نسبتاً خودمختار، غالباً ورودی‌های انگیزشی اساسی و بسیار متعاقب آن را شکل داده است. بخش داوطلبانه در ایالات متحده بیشتر از سقوط است؛ اما هیچ‌کس شک نمی‌کند که اشکال بسیاری از مشارکت در مؤسسات و فعالیت‌های رسمی سیاسی در دهه‌های اخیر کاهش یافته است یا اینکه آمریکایی‌ها تمایل کمتری به ابراز اعتماد به رهبران سیاسی و یکدیگر دارند.

واژگان کلیدی: نئولیبرالیسم، آلترگلوبالیسم، معنویت، جهانی شدن

^۱ Alterglobalism

* جونیلدو ای. بوریته (Joanildo A. Bury) مدرس ارشد و مدیر برنامه ایمان و جهانی سازی در دانشگاه دورام، انگلستان است. تحقیقات کنونی وی در مورد گسترش و فعالیت سیاسی - اجتماعی پنطیکاستال‌های آمریکای لاتین و متشکلان جهانگردها است. حوزه‌های مورد علاقه وی شامل دین و جهانی سازی، هویت دینی و سیاسی، مذهب و کنش جمعی و نظریه گفتمان پساساختاری است. انتشارات وی شامل (Redes, Parcerias, 2006), چندین جلد ویرایش شده و مقالات متعددی در کتاب‌ها و مجلات است.

ghazi2002@yahoo.com

* دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم

مقدمه

ارتباط میان دین و نئولیبرالیسم از تک بعدی بودن به دور است. همان‌گونه که گسترش مورد دوم (نئولیبرالیسم) در ابعاد جهانی، تأثیرات مهمی بوجود آورد، موجب بروز واکنش‌هایی نیز از طرف سازمان‌های مذهبی گردید. در این فرآیند مشخص شده است که نظریه «ضربتی» یک‌طرفه برای بیان فهم رابطه‌ای کافی نیست؛ رابطه متخصصی که در آن اشکال جدید معنویت^۱ و سازمان دینی پدید آمده، تغییر یافته و فعالانه با چالش‌های ناشی از تحولات اخیر پیوند اجتماعی برقرار کرده و با حوزه عمومی روبرو شده است. در چنین شرایطی، نیاز به تحلیل متنی، فقط به خاطر تصاویر «ثروتمندتر» و «ظریف‌تر» از اوضاع نیست؛ بلکه، تنها از طریق کنش‌های واقعی و علامت‌های دینامیک جهانی/بومی، می‌توان پیکربندی پیچیده روابط دین و نئولیبرالیسم را در اوقات جهانی‌سازی^۲ به درستی به تصویر کشید.

پیوند بین دین و نئولیبرالیسم، با در نظر گرفتن ماهیت هژمونیک ایدئولوژی نئولیبرالی که از نظر موضوعات گوناگون خط‌مشی‌گذاری‌های/عملکرد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در هر کجا که گسترش یافته، متبلور شده است، در حالی که به هیچ منبع منفرد و متمرکز انتشار یا کنترل متکی نیست، بلکه توسط بازیگران قدرتمندی پشتیبانی شده و فراتر از مصرف‌گرایی^۳ است. این به وضوح بیش از این سؤال است که چگونه بازار و شیوه‌های مدیریتی، منطق سازمان دینی و معنویت شخصی را برانگیخته است. همان‌گونه که درک ایده‌ها، نقوش و گزاره‌های نئولیبرالی در یک حکومت‌مندی کارآفرین، به سوی رقابت، مقررات‌زدایی، حاکمیت شبکه‌ای، ریسک‌پذیری^۴ و مصرف‌گرایی متمایل است، هژمونی به عامل بیانگر کلیدی تبدیل شد. به این ترتیب، این جنبش که در ابعاد بسیار متفاوت اجتماعی حکمفرماست، از طریق سیاست‌های دولتی

^۲ spirituality

^۳ consumerism

^۴ risk-taking

و اشکال مختلف رسانه‌ها و گفتمان‌های آموزشی تضمین شده و به منطق‌های اجتماعی^۱ مختلف، از جمله موضوعات مذهبی، متصل یا مرتبط می‌شود.

نئولیبرالیسم در سیر تکاملی تاریخی خود، توجه به اهمیت زمان و فضا را در دستور کار قرار داده و در مرحله ابتدایی «متعصبانه» و «مخرب» خود، متمایل به گفتمان‌های^۲ آماري متضاد، در بسیاری از مناطق، توسط پیکربندی‌های دیگر، بسته به میزان تقابل مخالفان مواجه شده با نئولیبرال‌ها یا چگونگی (عدم) موفقیت سیاست‌های الهام گرفته از نئولیبرال، دنبال شده است.^۳ در چنین بافتی، با حضور در مواضع این‌گونه گرفتاری‌ها و علامات در محیط پیرامون و ضروری سرمایه‌داری جهانی، مفاهیم زیادی وجود دارد که فراگیری آنها ضروری به نظر می‌رسد. ماهیت متقاطع و اشاعه تبادلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متوازن در مقطع کنونی، مکان و زمینه را باهم مواجه کرده، به شیوه‌هایی که هر دو ادعاهایی از زیرروند فرآیندهای جهانی باهدف «مراحل اصلی»^۴ سیاست جهانی را نشان داده و آن پویایی‌های «وطنی»^۵ را به جوامع پیشرفته سرمایه‌داری به ارمغان می‌آورد. این امر، از تأثیر مهاجرت بر نگرش‌های محلی در هویت ملی و دیگری بودن؛^۶ طنین تهدیدهای جهانی دریافت شده (گاهی بسیار

^۱ جیسون گلیسوس و دیوید هاوارت، منطق توضیح انتقادی در نظریه اجتماعی و سیاسی (لندن، ۲۰۰۸)؛ ارنستو لاکلو، «هویت و هژمونی»: نقش جهان‌شمول در قانون اساسی منطق سیاسی در جودیت باتلر، ارنستو لاکلو و اسلاووویو زیزک، احتمالی بودن، هژمونی، جهانی بودن: مباحث معاصر در جناح چپ (لندن، ۲۰۰۰، صص ۴۴ - ۸۹)؛ ارنستو لاکلو، دلیل پوپولیستی (لندن، ۲۰۰۵).

^۲ discourses

^۳ Para Uma Reinvenção Solidária e pjesemarrativa do Estado ·Boaventura de S. Santos در لوئیز کارلوس برسر پریرا و همکاران. (eds) Sociedade e Estado em Transformação (سائو پائولو، ۲۰۰۱)؛ Boaventura de S. Santos و César Rodríguez-Garavito. «قانون، سیاست و زیرمجموعه در جهانی‌سازی ضد هژمونیک»، در Boaventura de S. Santos و (Cesar Rodríguez-Garavito eds)، قانون و جهانی‌سازی از پایین: به سمت یک جهان‌بینی قانونی بودن (کمبریج، ۲۰۰۵، صص ۱-۲۶).

^۴ Centre stages

^۵ Home

^۶ Otherness

تصنعی) بحران‌های مالی جهانی؛ وقوع درگیری‌ها و اعمال خشونت‌آمیز که از مرزهای ملی خارج از کشور یا حاشیه‌های جامعه برانگیخته شده؛ ابراز همبستگی جهانی و تأثیر شبکه‌های فراملی یا فرضیه اجتماعی؛ اجرای تصمیمات و سیاست‌های توافق شده در سطح ساختارهای موجود از حاکمیت جهانی تحت فشار جوامع نوظهور^۱؛ یا تغییرات در حقوق بین‌الملل ناشی می‌شود.

این ادعاها می‌توانند گونه‌ها و اشکال متفاوتی به خود بگیرند و معمولاً از الگوهای مشخص ظهور بازیگران جدید جهانی، مانند دولت‌ها^۲، گروه‌های مدنی^۳ / جنبش‌ها^۴ و ادیان، نام می‌برند. در اینجا برای نمونه تنها چند مورد ذکر می‌شود: مطالبات عدالت جهانی که از جنبش‌های اجتماعی و مذهبی ناشی می‌شود؛ «مأموریت‌های معکوس»^۵ مذهبی از پیرامون؛ نقدهای روشنفکرانه از پیچیدگی‌های استعماری در تولید دانش توسط آکادمی‌های شمالی جهانی^۶؛ یا مطالبات سیاسی برای مشارکت در نهادهای حاکمیت جهانی.

در تحلیل زیر، شیوه‌ای فعال در مورد موضع‌گیری‌های مذهبی مرتبط با نئولیبرالیسم و عبارات اقتصادی و سیاسی آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این بررسی، بر ماهیت جامع، اما فاقد تقسیم، چندلایه و بحث‌برانگیز هژمونی نئولیبرال جهانی و اهمیت آن برای بافت‌های شمالی پیشرفت‌هایی که در جنوب صورت گرفته، تأکید می‌شود.

دو شکل خاص گفتمانی مسیحیت در فضاهایی واقع شده که دین با نئولیبرالیسم برخورد می‌کند، عبارتند از: الف) پنطیکاستالیسم^۷ و ب) سازمان‌ها و شبکه‌های جهانی^۸

^۱ emerging societies

^۲ States

^۳ Civil groups

^۴ Movments

^۵ Reverse missions

^۶ Global North academics

^۷ پنطیکاستالیسم یکی از مهمترین فرقه‌های عرفانی مسیحیت است. (Pentecostalism)

^۸ ecumenical organizations and networks

که به عنوان محرک در جنبش آلترگلوبالیسم^۱. هر دو گفتمان در یک محور بومی / جهانی فعالیت می کنند، زیرا ماهیت مفصل آن‌ها شامل یک تمرکز غیر قلمروگرا است که بر اساس درک آن‌ها از مأموریت و تحرک مذهبی صورت می گیرد، اما در تجربیات بومی، اجتماعی و فردگرایی نیز، به نحوی محکم، ریشه دار است. پنطیکاستالیسم و نوع گرایی مذهبی نیز، مطابق با منطقی عمل می کنند که در پی گسترش و دستیابی به حوزه های بزرگ فضایی-زمانی از طریق شیوه های معادل یا افتراقی هستند، بنابراین با خوشه های گسترده تری از روابط اجتماعی و شیوه های هژمونیک از طریق فعال کردن (مجادله ای) استراتژی های تجمع یا خاص و با دخیل کردن نیروهای اجتماعی دیگر، مذهبی یا غیرمذهبی، در ارتباط هستند.

پنطیکاستال ها و آلترگلوبالیست ها، از طریق شیوه های معادل آن، خواسته ها یا هویت های مختلف مذهبی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی را به گفتمان خاصی از معنویت ترجمه می کنند که دارای ظرفیتی در رفع بحران های فردی و جمعی نمایانده می شود؛ و آن‌ها را در شرایطی از عدم اطمینان، خطر و جابجایی، تأمین مادی و باز آزمایی/اطمینان بخشی ذهنی ارائه می دهند. از این طریق، گفتمان دینی، در پی مفصل بندی انواع مطالبات اجتماعی، سازمان دهی و بسیج آن‌ها بر اساس یک اصل جدید و جدال با گفتمان های هژمونیک موجود است. در مقابل، این گفتمان ها از طریق گسترشی افتراق گرایانه، بر خصیصه هویت یا ناهم نوایی آن‌ها با وضع موجود امور تأکید می کنند. گفتمان های افتراق گرایی، مدعی دسترسی به بازنمایی و تشخیص هستند، بنابراین «غیبی بودن»^۲، «حاشیه گرایی»^۳ و «تبعیض»^۴ را به چالش می کشند.

^۱ Alterglobalist Movement

^۲ invisibility

^۳ marginalizan

^۴ discrimination

^۵ در مورد استفاده من از معادل و تفاوت، ر.ک. لاکلو، هویت و هژمونی؛ Glynos و Howarth، منطق.

نئولیبرالیسم و دین؛ پیچیدگی روایت

چند دهه گذشته، شاهد روابطی غیرقابل پیش‌بینی و ناپایدار بین نئولیبرالیسم و جنبش‌های مذهبی بود. این روابط به حدی پیش‌بینی نشده بودند که موجب ظهور بازیگران جدید (مذهبی) در چندین نقطه از جهان شدند که مدت‌ها تعدادشان اندک بود، یا محدود به مرزهای ملی خود بودند. این جزئی‌سازی منفی که شامل فعال‌سازی تلاش‌های نامتقارن جهت تقلیل برخی هویت‌ها، گروه‌ها و گفتمان‌ها، به جایگاهی حاشیه‌ای و امتناع از دسترسی آن‌ها به حوزه عمومی است، در برخی موارد نیز به صورت مثبت عمل می‌کند؛ عواملی در تلاشند تا یک حوزه عمومی کثرت‌گرا را شکل دهند که در آن تفاوت و برابری به صورت هم‌زمان اثبات شود. ظهور و گسترش گروه‌ها/گفتمان‌های اقلیت و تلاش برای تخصیصشان در «وضعیت جزئی»، از جنبه‌های مهم این تصویر است و روشی دیگر، برای درک ماهیت مقیاس عاملیت‌های اجتماعی در دنیای جهانی شده را برجسته می‌کند. طبق گفته کانولی^۱، مطابق با دلوز و گواتاری^۲، جزئی‌سازی، فرایندی است که به موجب آن «حوزه‌های انتخابیه متعدد، از انواع مختلفی از مرزهای قدیمی عبور کرده و با فرهنگ «اکثریت» که غالباً اقلیت واقعی جمعیت را تشکیل می‌دهد، وارد رابطه می‌شوند.»^۳ او تشدید این فرآیند را به شیوع سرمایه جهانی گره می‌زند، گرچه مدعی است دومی فقط هم‌جنس‌سازی^۴ را تولید می‌کند.^۵

این دوره با بی‌ثباتی فزاینده‌ای نیز روبرو گردید، زیرا چارچوب‌های نهادی به همراه ارزش‌ها و روایاتی که در ذیل آن نقش بسته بود، کم‌رنگ، ناکارآمد و بحث‌برانگیز شدند. فروپاشی سوسیالیسم، بحران دیکتاتورهای نظامی در جنوب اروپا و آمریکای

^۱ ویلیام ای. کانولی، سرمایه‌داری و مسیحیت، سبک آمریکایی (دورهام، ۲۰۰۸). همچنین به طارق مودود، «لیبرالیسم و چندفرهنگ‌گرایی ما؟»، ژورنال سیاست و روابط بین‌الملل بریتانیا، ۲/۳ (۲۰۰۱)، صص. ۲۵۱-۴.

^۲ Deleuze and Guattari

^۳ کانولی، سرمایه‌داری، ص. ۳۲۳

^۴ Homogenization

^۵ همان، ص. ۳۲۳

جنوبی، رکوردزنی جهانی دهه ۱۹۸۰ و گسترش غیرقابل انکار جهانی شدن، جنبش‌های بی‌شمار اجتماعی و سایر شرکت‌کنندگان را برانگیخت. در چنین شرایطی، گفتمان‌های نئولیبرالی و مذهبی را می‌توان به‌عنوان فراهم‌آوردندگان نقاط ثبات یا اصول جدید توصیف اجتماعی، به آن حقایق منکسر دانست.^۱

در حقیقت، عدم توجه به رابطه چندجانبه بین نئولیبرالیسم و دین موجب ترکیب یا ایجاد، پیوند علی یک‌طرفه‌ای بین آنها می‌شود: این نکته برجسته، به‌عنوان مثال، توسط مایر، علیه یک رابطه آسان مستقیم بین پنطیکالیسم و سرمایه‌داری نئولیبرال^۲ مورد تأکید قرار گرفته است.^۳

نئولیبرالیسم در اواخر دهه ۱۹۸۰ در آمریکای لاتین، به‌عنوان یک جایگاه و نیز واسطه‌ای^۴ جهت گفتمان ظهور کرد. اصطلاح نئولیبرال، به‌عنوان یک جایگاه، به دنبال جمع‌آوری (هژمونی‌سازی)^۵ برخی از نارضایتی‌ها علیه قدرت گستاخ دولت در قاره‌ای بود که گرفتار دیکتاتورهای نظامی و سنت مداخله‌گرایانه و مدرن‌سازی سیاست‌های دولت بود؛ بنابراین تلاش شد تا به‌عنوان یک نیروی دموکراتیک عمل نماید. چنین مداخلات دولتی نیز، بر انتقاد ویژه‌ای از بافت‌های ایدئولوژیک استوار شد و خواستار

^۱ ببینید آرتورو اسکوبار، فراتر از جهان سوم: جهانی امپریالیستی، استعمار جهانی و جنبش‌های اجتماعی ضد جهانی‌سازی، فصلنامه جهان سوم، ۱/۲۵ (۲۰۰۴) مراجعه کنید: صص ۲۰۷-۳۰. سانتوس و رودریگوز-گارایتو، «قانون، سیاست»؛ Dagnino، «مشارکت، شهروندی و دموکراسی: همگرایی آشکار و جایجایی معانی»، در کاترین نوو (ویرایش)، *Cultures et Pratiques* مشارکت‌کنندگان: اجزای چشم‌انداز (پاریس، ۲۰۰۷، صص. ۳۵۳-۷۰)؛ Joanildo Bury «اصلاحات دولت و گفتمان جدید در مورد سیاست‌های اجتماعی در برزیل»، چشم‌اندازهای آمریکای لاتین، ۳۳ (۲۰۰۶): صص. ۶۷-۸۸؛ و «نابرابری، فرهنگ و جهانی‌سازی در جوامع در حال ظهور: تأمل در پرونده برزیل»، در ژان نودروین پیترز و بویک ربهین (eds)، *جهانی‌سازی و جوامع نوظهور: توسعه و نابرابری* (باسینگ استوک، ۲۰۰۹، صص. ۱۸۵-۲۰۰).

^۲ neoliberal capitalism

^۳ Birgit Meyer «پنطیکالیسم و جهانی‌سازی»، در آلن اندرسون و همکاران. (ویرایش)، *مطالعه پنطیکالیسم جهانی: نظریه‌ها و روش‌ها* (برکلی، ۲۰۱۰)، صص ۱۱۴-۳۰.

^۴ a locus and a medium

^۵ hegemonize

رویکرد «پسا توسعه‌گرا»^۱ بر اساس آزادی بازار^۲، رقابت، عدم تمرکز، مقررات‌زدایی، شیوه‌های اقتصادی مصرف‌کننده‌محور، گشایش سرمایه‌های خارجی و بازارهای جهانی شد.

اصطلاح نئولیبرال به‌عنوان یک واسطه، دستور زبان گفتمانی را برای بیان عدم قطعیت بحران رژیم منتهی به دموکراتیک‌سازی، در کشورهای آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ به جهت محدود کردن و جلوگیری از انتظارات دموکراتیک‌سازی رادیکال و پذیرش جهانی‌سازی و اصلاحات دولتی، به‌عنوان چیزی سخت، ارائه داد. اصطلاح نئولیبرالیسم، درصدد استدلالات آوری بر قدرت نام‌گذاری سناریوی جدید پسادیکتاتوری در برابر ساخت رادیکال‌تر دموکراتیک‌سازی از پایین آن بود که از طریق سیاست‌های لیبرال دموکراتیک و مخالف چپ‌گرا، به جایگزینی معتبر تبدیل شد.

واسطه و جایگاه مبهم اصطلاح نئولیبرال با تأکید بر آزادی، انتخاب، تضعیف قدرت دولت و افزایش کارایی اقتصادی و مصرف مناسب، مرز آن‌ها با گفتمان‌های دیگر (ضد آماری) که در آن «دموکراسی»^۳ و «عدالت اجتماعی»^۴ به «نشانگرهای شناور»^۵ تبدیل شدند، گاهی اوقات از لحاظ منشأ و معنای دقیق، قابل تشخیص نیستند. یک تلاقی معیوب^۶ بین گفتمان‌های لیبرال راست‌گرا و گفتمان‌های دموکراتیک مردمی ایجاد شد

^۱ لوئیز کارلوس برسر پیررا، توسعه و بحران در برزیل، ۱۹۳۰-۱۹۳۰ (بولدر، ۱۹۸۴)؛ جوئل ولف، «پوپولیسم و توسعه‌گرایی»، در توماس اچ. هالووی (ویرایش)، همراه با تاریخ آمریکای لاتین (مالدن، ۲۰۱۰، صص. ۳۴۷-۶۴)؛ Ramón Grosfoguel، «توسعه‌گرایی، نظریه وابستگی در آمریکای لاتین»، در Enrique D. Mabel Moraña، Dussel and Carlos A. Jáuregui eds، استعمار در کل: آمریکای لاتین و بحث پساستعمار (دورهام، ۲۰۰۸، صص. ۳۰۷-۳۲)؛

^۲ market freedom

^۳ democracy

^۴ social justice

^۵ لاکلو، دلیل پوپولیستی.

^۶ Dagnino، «مشارکت»

که به نحو چشمگیری در ائتلاف‌های سیاسی تشکیل شده پس از انتقال به حکومت غیرنظامی در قاره تصویب شد.^۱

اتصال نئولیبرالیسم به گفتمان دینی عمومی در دوران پس از دیکتاتوری در آمریکای لاتین در برابر این پس‌زمینه به روش‌های مختلف صورت گرفت، با اجازه دادن به یک اقلیت جدید مذهبی، سیاسی شدن نظرات خود در مورد نکات مهم تعریف برای نظم جدیدی که ساخته می‌شود و از نظر ظاهری، مخالف الحاد و کمونیسم است. با توجه به مرزهای متزلزل که از هویت‌های پروتستان اعترافی جدا می‌شوند، گردش بی حد و مرز واعظان و کلیسا روها، پخش برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و نشریات به انتشار قسمت‌هایی از الهیات انجیل در مورد کامیابی در کلیساهای مسیحی و تعصبات درباره گفتمان‌های رادیکال دموکراتیک کمک کرد. این مسئله حامی اخلاق مالکیت و مصرف به‌عنوان حقی خدادادی بود و کلیساها از فرصت‌هایی برخوردار شدند که برای پیوستن به فراخوان مشارکت در سیاست‌های جبرانی دولت در سال‌های ۱۹۹۰ تقویت شوند.^۲ با این وجود، واکنش هماهنگ در سراسر دهه ۲۰۰۰ از بخش‌های مختلف در کلیساهای غیر پنطیکاستی ظاهر شد و موجب تغییر این تصویر گردید. این امر به یک تفکیک جزئی از سیاست‌های نئولیبرالی منجر شد و به تأثیرات مخرب آن‌ها بر روابط، سیاست‌های اجتماعی، محیط‌زیست و هویت‌های فرهنگی اشاره دارد. انتقادات مسیحی رادیکال^۳ از نئولیبرالیسم موفق به جلب توجه و پاسخ‌های مثبت حوزه‌های مذهبی و همچنین تقویت ضد نئولیبرالیسم‌های سکولار شد.^۴

^۱ parcerias e pjesemarração religiosa nas políticas sociais 'Reform' and Redes. Joanildo Bury (no Brasil (Recife, ۲۰۰۶); جنت نیومن و جان کلارک، سیاست، سیاست و قدرت: بازگرداندن مردم در خدمات عمومی (لندن، ۲۰۰۹، صص. ۱۳۸-۹).

^۲ پل فرتون، انجیلی و سیاست در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین (کمبریج، ۲۰۰۴)؛ دونالد ا. میلر و تسونائو یاماموری، پنطیکاستالیسم جهانی: چهره جدید مشارکت اجتماعی مسیحیان (برکلی و لس آنجلس، ۲۰۰۷).

^۳ Radical Christian

^۴ Bruce E. Benson and Peter G. Hetzel eds, اوانجلیکال و امپراتوری: گزینه‌های مسیحی برای وضع موجود سیاسی (Grand Rapids, ۲۰۰۸)؛ بوری تی، ریس.

ذی‌حق مسیحی در آمریکا است که به‌ندرت خبرنگارانی در میان حامیان مذهبی در آمریکای لاتین دارند. حتی طبق استانداردهای آمریکایی، این حق شرعی صرفاً با کلیساهای انجیلی همخوانی ندارد.^۱ کارت و کینگ نیز استدلالی اجباری در مورد «خصوصی‌سازی دوم دین» ارائه می‌دهند، اولین مورد مربوط به قرن نوزدهم، تحت تأثیر رمانتیسم است که نتیجه هژمونیزه کردن فرهنگ در دهه ۱۹۸۰ توسط گفتمان اقتصادی نئولیبرالیسم است.^۲ آن‌ها مانند کانولی، به پنطیکاستیسم نمی‌پردازند، در عوض بیشتر بر معنویت آسیا و تصاحب مشارکت از دین به‌عنوان یک تاکتیک ذهنی‌سازی برای شکل‌گیری «نئولیبرال» تمرکز دارند. باوجوداین، هر دو رویکرد، به ماهیت عمومی‌تر دو جریان مهم اشاره دارند: تأکید و احیای دوباره هویت دینی؛ یا به‌گونه‌ای مبهم‌تر معنویت و ماهیت سیاسی استعمار آن توسط منطق معامله‌گر و اکتسابی بازار. همان‌طور که بعداً خاطر نشان خواهد شد، پرونده آمریکای لاتین، خوانش دیگری از هویت مذهبی، سیاست و گفتمان نئولیبرال ارائه می‌دهد.

صحیح است که «جناح چپ» نیز توانایی خود را در اجرای مفاهیم سنتی از مساوات اقتصادی و آزادیخواهی اجتماعی از دورنمای سکولاریسم، چند برابر نموده، تجزیه کرده و کاهش داده است. عدم استفاده از حمایت‌های گسترده، به همراه حاشیه‌نشینی سیاسی یا شکست گروه‌های رادیکال‌تر، منجر به حذف سکولارهای سنتی جناح چپ شده و پذیرش و جستجوی مشارکت با گروه‌های مذهبی را، به‌مراتب راحت‌تر جلوه می‌دهند. در کشورهای مختلف، اهمیت روزافزون رأی پنطیکاستی، به‌عنوان انگیزه دیگری برای جستجوی اتحاد با این گروه مذهبی عمل می‌کند.

^۱ هاروی کاکس، «دین قدیمی»، بوستون گلوب، ۱۰ ژوئیه (۲۰۰۶)،

^۲ http://www.boston.com/news/globe/ideas/articles/2006/07/09/old_time_religion، دسترسی ۱۰

مارس ۲۰۱۱

^۲ جریمی کارت و ریچارد کینگ، فروش معنویت: سکوت تصاحب دین (Abingdon، ۲۰۰۵، صص. ۴۴-۷).

بنابراین، تجربه فرهنگی نئولیبرال در ایجاد ذهنیت جدید برای پروژه هژمونیک خود، مبتنی بر بازنویسی کل گسترش اجتماعی بر اساس منطق و شیوه‌های سرمایه‌داری جهانی، با هویت‌های مذهبی هر دو طرف روبرو شده است. این تجربه، جنبه‌ای از چگونگی تجسم دین و حکومت‌مندی را نشان می‌دهد.^۱ اسپرینگر می‌گوید:

ایدئولوژی نئولیبرالیسم به‌عنوان یک ایدئولوژی، جای خود را به نئولیبرالیسم - به‌عنوان حکومت‌مندی از طریق دخالت آنچه استفن گیل (۱۹۹۵)^۲ تمدن بازار^۳ می‌نامد، یا شیوه‌های تحول‌گرا که از طریق آن‌ها، توسعه سرمایه‌داری با گفتمان مشروعیت نئولیبرالی پیشرفت و توسعه گره خورده، داده است. پس نئولیبرالیسم مجموعه‌ای از عقلانیت‌ها، استراتژی‌ها، فناوری‌ها و تکنیک‌های مربوط به ذهنیت حاکم است که «حاکمیت از راه دور» را تسهیل می‌کند (باری و همکاران ۱۹۹۶؛ لارن ۲۰۰۰)؛ با مشخص کردن زمینه گفتمانی که در آن قدرت معقول اعمال شده است. (لمکه ۲۰۰۱)، بدین ترتیب هم نهادها و هم افراد را، به رعایت هنجارهای بازار، ترغیب می‌کند.^۴

ثانیاً، با اشکال دین با یک حرف صریح جهانی مواجه شده و دنیای پویا، شبکه‌سازی و ارتباطات، فناوری‌های جدید و تخیل جهان‌گرایانه را کاملاً در خانه امکان‌پذیر ساخته است. پنطیکاستیسم و اکومنیسم دو عرصه برجسته دین جهانی هستند و از این نظر موازی با نئولیبرالیسم جهانی، جریان دارند.

این، نمونه‌ای از بازخوانی تمایز میان خصوصی/عمومی، مذهبی/سیاسی و پخش و نشر عاملیت دینی از طریق مرزهای اجتماعی سنتی است. مقطع کنونی از طریق

^۱ کوین لوئیس اونیل، اما تابعیت ما در بهشت است: پیشنهادی برای مطالعه آینده شهروندی مسیحیان در جنوب جهان، مطالعات شهروندی، ۴/۱۳ (۲۰۰۹): صص ۳۳-۴۸. همچنین به Simon Coleman، جهانی‌سازی مسیحیت کاریزماتیک: گسترش انجیل کامیابی مراجعه کنید (کمبریج، ۲۰۰۰).

^۲ Stephen Gill (۱۹۹۵)

^۳ 'market civilization'

^۴ سیمون اسپرینگر، 'خشونت در اماکن نشسته است؟ عملکرد فرهنگی، عقلانیت نئولیبرالی و جغرافیای تخیلی

درگیری مستقیم عاملیت مذهبی در اختلافات جاری برای ترتیب (دوباره) تنظیمات جهانی- محلی^۱، بیان فعالانه‌ای از رزروهای مذهبی سنتی که در قلمرو زندگی خصوصی محدود شده، تسهیل کرده است.

پنطیکاستالیسم و گفتمان نئولیبرال: یک معنویت تعاملی^۲ از کسب و مصرف؟

در رابطه بین پنطیکاستالیسم آمریکای لاتین و نئولیبرالیسم دو الگوی اصلی وجود دارد. تنها مورد اخیر نئوپنطیکاستالیسم^۳، می‌تواند به‌عنوان یک بیان ارگانیک از معنویت و چارچوب سازمانی باشد که با ایدئولوژی نئولیبرالی و شیوه حکمرانی هماهنگ است. نئوپنطیکاستالیسم در آمریکای لاتین، شاخه‌ای از جنبش پنطیکاستی در پروتستانیسم را نشان می‌دهد که به اواسط دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد و ارتباط مستقیمی با جنبش انجیل رفاه (سلامتی و ثروت)^۴ دارد. صدها کلیسای محلی، وزارتخانه‌ها و فرقه‌های کوچک، به دنبال الگوی شکاف پذیر پروتستان، پدید آمده‌اند که اکثر بنیان‌گذاران آن‌ها از مشارکت در کلیساهای سنتی پنطیکاستی، یا از تبدیل شدن به سایر کلیساهای نئوپنطیکاستی نشأت می‌گیرند. نئوپنطیکالیسم نباید با جنبش کارزماتیکی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ در فرقه‌های اصلی و کلیسای کاتولیک روم گسترش یافته، اشتباه گرفته شود. ویژگی‌های اصلی آن به‌سادگی توسط سیلوا خلاصه می‌شود:

ترک (تعدیل) زهد، ارزش‌گذاری عمل‌گرایی^۵، استفاده از فنون مدیریت کسب‌وکار در اداره کلیساهای، تأکید بر الهیات سعادت، استفاده از رسانه برای امر دین‌داری^۶ و تبلیغات مذهبی گسترده (منجر به نام «کلیساهای الکترونیکی») و محوریت الهیات نبرد

^۱ global-local configurations

^۲ Transactional Spirituality

^۳ neo-Pentecostalism

^۴ (health and wealth)

^۵ pragmatism

^۶ mass proselytism

معنوی در برابر سایر فرقه‌های مذهبی، به‌ویژه ادیان آفریقایی-برزیلی و روح‌گرایی است.^۱

الگوی دوم که من به آن عنوان پنطیکالیسم سنتی^۲ خواهم داد، به‌وضوح اکثریت است و باید در متن اسیر شود و همگرایی‌های آن را بیشتر در سطح فعالیت سیاسی نشان می‌دهد تا از لحاظ ارتباطات اساسی کلامی و معنوی با فرهنگ بازار. این نمایانگر چیزی است که بیشتر توسط پنطیکاستیسم درک می‌شود.^۳

در هر دو مورد، مسئله درگیری فعال است، نه واکنش منفعل و یا تأثیر بیرونی، اما طبیعت کارگشای گفتمان روحانی و کلامی کارگشا شباهت خانوادگی با نئولبرالیسم را نشان می‌دهد. مؤلفه کارگشایی تطبیق پنطیکاستی به شیوه‌های متمایز و گاه همپوشان از معنویت‌های خود-رای^۴، جامعه و سعادت^۵ نمایش داده می‌شود.

نسخه سنتی پنطیکاستیسم از حمایت از فقرا بیشتر به منظور تقویت خود متعهد می‌شود، نه انتظار یا تکیه بر تأمین اجتماعی تحت حمایت دولت (اما آن را نیز رد نمی‌کند). این امر ممکن است، زیرا تعمیم روح، مؤمن را بدون توجه به جنسیت، قومیت و موقعیت اجتماعی، تقویت عزت نفس و خودمختاری، پر از قدرت الهی

^۱ Vagner Gonçalves da Silva، 'Neo-Pentecostalism and Afro-Brazilian'، توضیح حملات به نمادهای میراث مذهبی آفریقا در برزیل معاصر، مانا، ۷/۳ (۲۰۰۷): ص. ۲. همچنین به دیوید لمان، مبارزه برای روح: دگرگونی‌های مذهبی و فرهنگ‌عامه در برزیل و آمریکای لاتین نیز مراجعه کنید (کمبریج، ۱۹۹۶)؛ ریکاردو ماریانو، Neopentecostais: sociologia do novo pentecostalismo no Brasil (سائو پائولو، ۱۹۹۹)؛ پاول فرستون، «فراملی ملی شدن پنطیکاستی برزیل: کلیسای جهانی پادشاهی خدا»، در آندره کورتن و روت مارشال- (eds) Frataní، بین بابل و پنطیکاست: پنطیکاستالیسم فراملی در آفریقا و آمریکای لاتین (لندن، ۲۰۰۰)، صص. ۱۹۶-۲۱۵. Ari Pedro Oro و همکاران، Igreja Universal do Reino de Deus: Os Novos Conquistadores da Fé (سائو پائولو، ۲۰۰۳)؛ و دیوید مارتین، پنطیکاستی: جهان میهن آن‌ها (مالدن، ۲۰۰۳)، صص. ۷۱-۱۱۸.

^۲ Traditional Pentecostalism

^۳ کیت وارینگتون، الهیات پنطیکاستی: الهیاتی از برخورد (لندن، ۲۰۰۸).

^۴ spiritualities of self-assertion

^۵ community and Prosperity

می‌سازد و باعث می‌شود که آن شخص مؤمن خطر را در سرنوشت بپذیرد. به گفته المیدا، باین‌حال، این، بیشتر شبیه به «اخلاق مشیت»^۱ است که در آن «تحرک اقتصادی روبه‌رشد ارزش دینی چندانی ندارد و نیازهای مادی هرگز به‌طور کامل برآورده نمی‌شود، اما موردی به‌عنوان «جانشین الهی»، بارها و بارها فراهم می‌شود که نتیجه روابط متقابل چهره به چهره است که یک دین‌داری کمونیستی از آن طرفداری می‌کند».^۲

از این‌رو این کارگشایی پر روح و روان در یک جامعه مرجع^۳ پشتیبانی و تحریم شده است. ارزش‌های پنطیکاستی سستی و روابط نفوس خود را تحریک می‌کند و آن‌ها را با هر دو گروه شناخت دوباره و شبکه‌های اجتماعی حمایت می‌کند که از طریق آن‌ها کمک متقابل، دسترسی به فرصت‌ها و تشویق برای ادامه تلاش، رقیب کردن، کنوانسیون‌ها و تعصبات چالش‌برانگیز فراهم شود (به‌ویژه در مورد فقر، اقلیت‌های قومی، زنان و جوانان). اگرچه استقلال در تصمیم‌گیری‌های مذهبی در برابر سنت‌های خانوادگی مورد حمایت قرار می‌گیرد و اعتماد به نفس و ابتکار عمل به‌طور مداوم تلقین می‌گردد، اما وعده نعمت‌ها با زندگی مشترک و منظم در جامعه مذهبی معنا پیدا می‌کند. همان‌طور که ونابلز آن را با اشاره به پنطیکاستی شیلی بیان می‌کند، «پنطیکاست‌ها به‌عنوان بازیگر جمعی در جامعه اصلاح می‌شوند»^۴، او اضافه می‌کند، «در انجمن

^۱ 'ethics of providence'

^۲ 'A expanseco pentecostal: circulação e flexibilidade', Ronaldo Rômulo M. de Almeida (2006) Centro de Estudos da Metrópole, صص. ۱۱-۱۲، ترجمه من، <http://www.centrodametropole.org.br/v1/pdf/2007/ronaldo_pentecostalismo.pdf>، دسترسی به ۱۰ آوریل ۲۰۱۱.

^۳ community of reference.

^۴ خوان پابلو Venables B. Diferentes e Integrados: Estudio acerca de la ética del trabajo en el Movimiento Pentecostal de la Región Metropolitana (سانتیاگو، ۲۰۰۷، ص. ۱۳۶)، ترجمه من، <http://www.cybertesis.cl/tesis/uchile/2007/venables_j/source/venables_j.pdf>، دسترسی ۲۴ ژوئن ۲۰۱۱.

پنطیکاستال‌ها شبکه‌ای از همبستگی مذهبی یافت می‌شود که از طریق مکانیسم‌های مختلفی که قبلاً مشخص شده‌اند، به آن‌ها کمک می‌کند تا در شرایط زندگی خود به پیشرفت نسبی برسند؛ پیشرفتی که نتیجه و نه دلیل عمل آن‌ها باشد.^۱

در مقایسه با این الگوی غالب، اخیراً تغییری بسیار سخت‌گیرانه و اجرایی‌ترین توجه را به خود جلب کرده است. نئوپنطیکاستالیسم آمریکای لاتین از بین فقرا نشئت گرفت و با پیروزی چشمگیر بر کلیساهای انجیل و موفقیت طبقه متوسط سفیدپوست، به یک بیان واقعی مذهبی گفتمان نئولیبرال، تبدیل شد. این مسئله در اواسط دهه ۱۹۷۰ به‌ویژه در برزیل شیوع پیدا کرد و به‌سرعت به سایر کشورهای آمریکای جنوبی، ایالات متحده و اروپا (ابتدا از پرتغال) گسترش یافت، اما امروز در همه جهات امتداد یافته است (بر اساس گفته کلیسای جهانی برزیل، پادشاهی خدا در بیش از ۱۶۰ کشور جهان فعال است). نئوپنطیکاستالیسم‌ها با استفاده گسترده از رسانه‌ها، ایده‌ها و ارزش‌های نئولیبرالی کارگشا، خودپنداره و معنویت معامله‌گر را متجسم می‌سازند. محاسبه و تمایل در به حداقل رساندن «رنج» به هر قیمتی، به‌گونه‌ای که لذت بردن از نعمت‌های مادی نمی‌تواند هیچ محدودیتی با خود به همراه داشته باشد، باعث می‌شود معنویت نئوپنطیکاستال شبیه سرمایه‌گذاری سوداگرانه باشد و هدف خود را با بالاترین بازده با کمترین تلاش انجام دهد: خداوند صاحب تمام ثروت‌ها و گسترش‌دهنده آن‌ها شناخته می‌شود. نعمت نامحدود است؛ بنابراین، هر مؤمن ممکن است با دادن و قرار دادن خدا در آزمایش به‌عنوان یک کارگزار^۲ وفادار و تواناتر از هر پیشنهاد دریافت شده‌ای، این ثروت فوق‌العاده را به اثبات برساند. باوجود جشن‌های گسترده‌ای که توسط واعظان کاریزماتیک برگزار می‌شود، ارتباطات کاملاً واضح، در سطح فردی تلقی می‌شود و جامعه فقط برای ارائه شواهد - از طریق شهادت‌های بی‌پایان - در مورد اعطا اثربخشی و توکل به خدا، برای دریافت نعمت‌های فردی در نوعی جامعه ابزاری

^۱ همان

^۲ through giving and putting God to the test

خدمت می‌کند.^۱ این موردی از معنویت کسب و مصرف توسط یک خود سبک‌بار است.^۲

اگر شخصی، فعالیت نهادی فعالانه رهبران کلیساها برای بزرگنمایی یا ساخت مکان‌های جدید، جلسات بزرگ، دستیابی به تجهیزات و بازارهای فروش پیشرفته‌تر رسانه‌ها، فراهم کردن موارد زیادی برای مصرف دینی (از مطبوعات و دی‌وی‌دی‌ها برای بسته‌های توریستی) و در برخی موارد، پروژه‌های اجتماعی بسیار خیرخواهانه اجرا شده را اضافه کند، در نتیجه طیف گسترده‌ای از کارگشایی - اعم از فردی و شرکتی - متصور خواهد بود. بسیاری از این کلیساها خدمات ویژه یا جلساتی را نیز برگزار می‌کنند (گاهی اوقات به صورت هفتگی) که در آن به مردم آموزش داده می‌شود که چگونه امور مالی خود را اداره کنند و چگونه برای شروع مشاغل کوچک خود، اعتماد به نفس، ریسک‌پذیری و کوشش برای ارزش‌های کلیدی تلقی شده را بدست آورند. کارگزاری سیاسی با مشارکت منظم در انتخابات از اواسط دهه ۱۹۸۰ در سراسر آمریکای لاتین، به امری دائمی و نهادی تبدیل شده است، بعضی از کلیساها بودجه کاندیداهای خود را تأمین می‌کنند و عملکردشان را زمانی که فقط از طریق کمیته‌های سیاسی حرفه‌ای انتخاب شده باشند، نظارت می‌کنند. تصور می‌شود، این وظیفه درک خود از مأموریتش را تکمیل کند: اعمال فشار و تأثیر برای تأمین آزادی بی‌حد و حصر دینی و دید عمومی (به ویژه در رقابت با کلیسای کاتولیک اکثریت^۳) و ترویج اخلاق مذهبی سنتی علیه آزادی بیشتر جنسیتی، مسائل روز جنسی بیولوژیکی.

علیرغم تأیید صریح استدلال‌ها و ایده‌های کاملاً سازگار با گفتمان نئولیبرال در سطوح بومی یا جهانی، ضروری است که نئوپنطیکاستال‌ها به روشی محتاطانه‌تر و

^۱ religiosidade bashkëkranea e globalização: o ‘Subjetividade’ Mary Ruth Gomes Esperandio ‘, caso da Igreja Universal do Reino de Deus Protestantismo em Revista (۹) ۲۰۰۶، صص. ۳۱-۴۷،

<<http://www3.est.edu.br/nepp>>، دسترسی ۱۰ مه ۲۰۱۱.

^۲ spirituality of acquisition and consumption by an unencumbered self.

^۳ majority Catholic Church

واجد شرایطتر ارزیابی شوند. اول، درخواست بی‌امان آن‌ها برای دادن (پول) در یک منطق شرعی از حاکمیت خدا درج‌شده که در آن منطق ساده سرمایه‌گذاری در بازار را در نظر می‌گیرد و باز می‌گرداند: اراده یا طرح‌های خدا برای هر فرد در نهایت غیرقابل تحقق است و مؤمن با خطری ذاتی روبرو می‌شود که فراتر از ایمان به عدم دریافت کالاها است. همچنین ممکن است موردی از گناه ناخوشایند یا رفتار غیرقانونی باشد که مانع دسترسی یا دستیابی به ثروت‌های خداوند شود. چنین شرایط اجتناب‌ناپذیری بخشی از گفتمان دینی است و از منطق سخت سرمایه‌گذاری و بازده، دور می‌شود. دوم، سیاست‌های مشارکتی نئوپنتکوستال که بین پروژه‌های سیاسی مختلف در منطقه متناوب است و به هویت آن‌ها توجهی نشده و فقط انتخاب‌های محافظه‌کارانه انجام می‌شود. طبق سنت ائتلاف‌های سیاسی که بخشی از سیاست‌های آمریکای لاتین است، برخی کلیساهای نئوپنتکوستال با موج اخیر دولت‌های مترقی (و چپ) در آمریکای جنوبی شریک شده‌اند. علاوه بر این، شواهد محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد چنین فعالیت سیاسی شامل پشتیبانی از سیاست‌های تأثیرگذار رفاه اجتماعی است. سوم، روش‌هایی که مردم به گفتمان رسمی کردن و کارگشا پاسخ می‌دهند، همیشه با انتظارات رهبران مذهبی آن‌ها مطابقت ندارد: زنان غالباً به نمایندگی از فرزندان‌شان، همسر، اقوام، حتی دوستان خود حاضر می‌شوند؛ برخی از مردم (از جمله رهبران مخالف) صحت ادله ارائه‌شده را رد می‌کنند، از ارائه آن در صورت لزوم خودداری می‌کنند یا از انتظارات ناامید شده سرخورده می‌شوند؛ دیگران، از آن به دلیل عدم مراقبت کشیش از پیشوایشان شکایت دارند که «عملکرد جمعی» آن‌ها فاقد تعامل واقعی با نیازهای خاص مردم عادی است. چنین صلاحیت‌هایی، هم در مورد کالای واقعی مذهبی و هم برای بازاریابی و اشکال تفسیر غیرقانونی از نظر گفتمان اقتصاد دینی^۱ مطرح می‌شوند.

^۱ religious economy discourse

سرانجام، کلیسای سنتی پنطیکاستال و نئوپنطیکاستال^۱ هر دو موج سوژه جهانی شدن را در اختیار می‌گیرند و بسیار فراتر از زمینه‌های اصلی فرهنگی و سازمانی خود گسترش می‌یابند، آن‌ها با چالش‌های جدیدی روبرو می‌شوند، چه در کنار مخاطبان جدید خود (به‌خصوص مهاجران، جمعیت‌های قومی و فرهنگ‌های اکثریت ملی) یا در کنار الزامات یا محدودیت‌های سیاسی و حقوقی که باید آن‌ها را رعایت کنند. توانایی مقابله با این چالش‌ها به نحو قابل توجهی متفاوت است، اما فشارها به سمت ادعای هویت و مذاکره و نیاز به مقابله با اختلاف فرهنگی و همچنین زمینه‌ها و مطالبات مذهبی بسیار متفاوت را برجسته می‌کند.

نئولیبرالیسم، مصرف‌گرایی و جناح چپ مذهبی: آلتراگلوبالیسم و مقاومت^۲

جناح چپ مذهبی در آمریکای لاتین به‌طور متمرکز در دو مدل ارائه شده است؛ الهیات رهایی و اکومنیسم که به‌طور عمده در دهه ۱۹۷۰ با وجود همبستگی گوناگون کاتولیک و پروتستان، باهم ادغام شده و در سطح فرقه یا سلسله مراتبی جایجا شده و محدود شده‌اند، اما در دامنه فعالیت‌های اجتماعی مذهبی و حاکمیت عمومی رونق یافته‌اند (چه از نظر محلی، ملی و فراملی). از اوایل دهه ۱۹۸۰، نسل جدیدی از انجیلیان که از نظر سیاسی تندرو بودند، به صفوف فعالیت‌های اجتماعی پیوستند که به دنبال ایجاد میانه‌ای بین دو مدل کلامی و الهیاتی سابق بودند. «سازمان مردم‌نهاد»^۳ به سرنوشت بسیاری از افرادی که به دلیل دیدگاه‌های سیاسی و درگیری‌های عملی از ساختارهای کلیسا یا مجامع محلی بیرون رانده شده‌اند، دچار گشته‌اند. شبکه‌ای مهم از این‌گونه سازمان‌ها، از ابتکارات چندجانبه پدید آمده که به‌طور فزاینده‌ای در سطوح ملی و فراملی بیان گردیده‌اند.

آلتراگلوبالیسم که جنبش عدالت جهانی یا با اصطلاح نادرست آن، جنبش ضد جهانی‌سازی نیز نامیده می‌شود، کاملاً مرتبط با تجربه مجمع جهانی است که در اواخر

^۱ neo-Pentecostal churches

^۲ Alterglobalism and Resistance

^۳ 'NGOization'

دهه ۱۹۹۰ از اعتراضات خیابانی علیه WTO و حاکمیت نئولیبرال ظهور کرد و به عنوان یک پاسخ به مجمع جهانی اقتصاد در نظر گرفته شد. در این زمینه، انواع قابل توجهی از جنبش‌ها و سازمان‌ها تحت تأثیر شعار «دنیای دیگر ممکن است»، خواستار جهانی‌سازی جایگزین هستند.^۱ ویژگی اصلی این جنبش پیوندی ناگسستنی با آمریکای لاتین، به ویژه با سازمان‌های مردم‌نهاد^۲ برزیل (مذهبی و غیرمذهبی)، است.

ظهور یک جنبش مذهبی آلتراگلوبالیسم در آمریکای لاتین به طور مستقیم با این شبکه از سازمان‌ها، گروه‌ها و فعالان فردی در گردش در ارتباط است. بیان آن‌ها نیز یکی از قدرتمندترین تجربیات مرتبط با آلتراگلوبالیسم بود: انجمن اجتماعی جهانی^۳. معنویت جهانی و شبکه‌های سازمانی آشکارا علیه نئولیبرالیسم و پروژه جهانی آن قرار گرفتند. چنانکه گزارشی از شورای جهانی کلیساها^۴ در سال ۲۰۰۴ به طور خلاصه مطرح می‌کند:

چرا جامعه اکومنیستی، ایدئولوژی و عملکرد جهانی‌سازی اقتصادی را به چالش می‌کشد؟ جهانی‌سازی، همان‌طور که تحت تأثیر ایدئولوژی نئولیبرال است، مستقیماً با چشم‌انداز اکومنیستی یک بشریت متحد که در آن اجتماعات و اقوام مختلف در همبستگی با یکدیگر زندگی می‌کنند، رقابت می‌کند.^۵

^۱ Escobar، فراتر از جهان سوم؛ Simon Torney، ضد سرمایه‌داری: راهنمای مبتدی (آکسفورد، ۲۰۰۵)؛
ne A crítica da Governação neoliberal: O Fórum Social Mundial ·Boaventura de S. Santos
۷۲ ·Revista Crítica de Ciências Sociais، «como política e legalidade cosmopolita subalterna
(۲۰۰۵)؛ صص. ۷-۴۴)؛ جرمی گیلبرت، ضد سرمایه‌داری و فرهنگ: نظریه رادیکال و سیاست مردمی (آکسفورد،
۲۰۰۸)؛ Lévy؛
Influência e Contribuição: a Igreja Católica Progressista Brasileira e o Fórum Social Mundial،
Religião & Sociedade، ۲۹/۲ (۲۰۰۹)؛ صص. ۱۷۷-۹۷)؛ دیمیتریوس تئودوسوپولوس و
الیزابت کرسوگلو (eds)، متحد در نارضایتی: پاسخ‌های محلی به جهان‌بینی و جهانی‌سازی (نیویورک، ۲۰۱۰).

^۲ NGOs

^۳ World Social Forum

^۴ World Council of Churches

^۵ شورای جهانی کلیساها، حضور جهانی در چهارمین مجمع جهانی اجتماعی، شورای جهانی کلیساها، ۲۱ ژانویه
(۲۰۰۴)، <<http://www.oikoumene.org/fa>> / منابع / اسناد / wcc-برنامه‌ها / عمومی-شاهد -آزاردنده-

شبکه‌های اکومنیستی آمریکای لاتین نیز باظرافت به شبکه فراملی آژانس‌های سکولار، متشکل از ارگان‌های نمایندگی کلیساهای منطقه‌ای، سازمان‌های غیردولتی مذهبی و سازمان‌های سکولار تأمین شده توسط آژانس‌های توسعه اکومنیستی، ریشه در پیدایش کلی «جامعه مدنی» به‌عنوان نقطه اتصال برای آرمان‌های دموکراتیک رادیکال داشتند. چتر اکومنیستی و شکل سازمان‌های مردم‌نهاد، قدرت لازم را برای دوره دشوار پس از دیکتاتوری فراهم آورد که در آن دموکراتیزه کردن وظایف و پروژه‌های نئولیبرال از مسیرها عبور کرد و باعث خنثی‌سازی و مدیریت تکنوکراتیک گردید. از طریق ارجاع به ارزش‌هایی نظیر همبستگی، پایداری، دموکراسی مستقیم، مقاومت مذهبی و فرهنگی، جایگزینی از طریق برنامه‌های کوچک «پروژه‌های اجتماعی» و «شکل‌گیری» موردحمایت قرار گرفت. یک طرح آلترگلوبالیسم مذهبی^۱ با ده‌ها سال فعالیت در کلیسای مردمی که به‌طور ارگانیک با جنبش‌های مردمی مستقر در مکان پیوند داشت، مورد هدف قرار گرفت تا یک مخالفت غیر ساختاری با ظرفیت عظیم برای ورود به گفتمان‌های ملی و محلی نوسازی، ضد استاتیسیم، مدعی حقوق به‌عنوان مصرف‌کنندگان خدمات و کالاهای / عمومی و خصوصی و محرک مردم برای حل مشکلات آن‌ها به دست خودشان، ایجاد نماید؛ اما این گروه‌ها به‌جای رها کردن مفهوم جهانی‌شدن، رقابتی را برای معنای «واقعی» آن به راه انداختند: جهانی‌سازی انسجام، پایداری

تأییدکننده قدرت-صلح / فقر-ثروت و محیط‌زیست / نئولیبرال-پارادایم / the-ecumenical-حضور-در-جهان چهارم-اجتماعی-forum.html، دسترسی ۲۵ نوامبر ۲۰۱۰.

^۱ بسیاری از مطالب ارائه‌شده از تعریف گسترده‌ای از دین‌داری جهانی، به‌ویژه مجمع جهانی اجتماعی را می‌توان در وب‌سایت شورای جهانی کلیساها (www.wcc.coe.org/wcc/what/jpc) یافت. تلاشی برای تجدید نظریه الهیات رهایی به‌عنوان یک الهیات جهانی کثرت‌گرایی فرهنگی، گفتگوی بین دینی، کیهان‌شناسی عمیق زیست‌محیطی، پذیرش اشکال شبکه‌ای از بسیج و فعالیت‌های جامعه مدنی جهانی، به مجمع جهانی الهیات و آزادی منجر شد. انجمن در ارتباط است با هر مجمع جهانی اجتماعی، از سال ۲۰۰۵، چند روز قبل از رویداد اصلی و علامت یک بازگشت جهانی از جنبش الهیات رهایی‌بخش، به‌دوراز جهان‌بینی سوم معمولی (رجوع کنید به www.wftl.org/default.php?lang=en-us&t=padrao&p=capa&m=padrao).

محیط‌زیست و عدالت اجتماعی و پذیرش کثرت‌گرایی فرهنگی مبتنی بر اشکال شبکه‌ای مشارکت.

اسکوبار با اتخاذ نظریه‌های پیچیدگی ناشی از علوم طبیعی، این نکته را برجسته می‌کند که چگونه «ظهور» و «سازگاری»^۱ مفاهیم مناسبی برای محاسبه منطق آلترگلوبالیسم^۲ محسوب می‌شوند:

در این نوع شرایط، آغازهای ساده منجر به هویت‌های پیچیده می‌شود، بدون وجود یک استاد طراح یا خرد مرکزی، برای برنامه‌ریزی آن. این‌ها فرآیندهای پایین‌دستی هستند، جایی که کارگزاران در یک مقیاس (محلی) کار می‌کنند و رفتار و فرم‌هایی را در مقیاس‌های بالاتر تولید می‌کنند (به‌عنوان مثال تظاهرات ضد جهانی‌سازی چند سال گذشته). قوانین ساده در یک سطح، باعث به وجود آمدن تحریف و پیچیدگی در سطح دیگری می‌شود، از طریق آنچه ظهور نامیده شده: این واقعیت که اقدامات چندین کارگزار در تعامل پویا و پیروی از قوانین محلی به‌جای دستورات بالا به پایین منجر به رفتارهای کلان یا ساختارهای قابل‌رؤیت می‌شوند. بعضی اوقات این دستگاه‌ها سازگار هستند؛ آن‌ها به‌مرور زمان یاد می‌گیرند و به‌طور مؤثرتر به نیازهای متغیر محیط خود پاسخ می‌دهند.^۳

ضد گفتمانی از معنویت جهانی از طریق مشارکت اکومنیستی در مجمع اجتماعی جهان که «معنویت مقاومت» را پیشنهاد کرده قابل‌ردیابی است، (۲۰۰۳)؛^۴ «معنویت زندگی و کرامت انسانی» (۲۰۰۴)؛^۵ یا «زندگی در شأن و منزلت». (۲۰۰۵).^۱ پس از

^۱ 'emergence' and 'adaptation'

^۲ alterglobalism

^۳ اسکوبار، «فراتر از جهان سوم»، ص. ۲۲۲

^۴ دنیای دیگری ممکن است. شورای جهانی کلیساها و سایر سازمان‌های جهانگردی در سومین مجمع جهانی اجتماعی، شورای جهانی کلیساها، <>wcc-coe.org/wcc/what/jpc/wsf-e.html>، دسترسی مارس

۲۰۱۱.

^۵ همان

ظهور یک پدیده نسبتاً محتاط در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، مشارکت مذهبی در انجمن از سال ۲۰۰۳ به طور چشمگیری افزایش یافت. به عنوان مثال، در آن سال، سه کارگاه آموزشی با موضوع «معنویتی از مقاومت» به سرپرستی «گروه حزبی اکومنیستی»، توسط WCC، فدراسیون جهانی لوتران، اتحاد اکومنیستی برای اقدام جهانی، شورای آمریکای لاتین کلیساها و گروهی از کلیساها و سازمان‌های مردم‌نهاد برزیلی برگزار شد. یکی از رؤسای WCC، اسقف اعظم متدین آرژانتینی، فدریکو پاگوورا، نیز در بخش «شهادت‌های» این رویداد حضور داشت.

بال مترقی کلیسای کاتولیک نیز از همان ابتدا درگیر تجربه انجمن^۲ اجتماعی جهانی بوده است. طبق گفته‌های لوی، نه تنها بخش بسیار بزرگی از فعالان برزیلی در بدو ورود به انجمن نقش اساسی داشتند، بلکه حدود نیمی از آن‌ها با الهیات رهایی و گروه‌های روحانی کلیسا ارتباط مستقیمی داشتند یا به طور مستقیم بوده‌اند.^۳ لوی شرط مهمی را در مورد چگونگی درک اصیل از انجمن‌ها به خصوص زمانی که با سنت‌های چپ‌گرای سنتی مقایسه می‌شوند را مطرح می‌کند:

این ویژگی‌ها شامل تنوع، احترام به دیگران و دفاع و ترویج ارزش‌ها و اقدامات دموکراتیک در تمام سطوح تصمیم‌گیری است. این موارد، به ویژه درک انجمن به عنوان یک ساختار باز و افقی و ابزاری برای افزایش آگاهی و تقویت مشارکت برای همه را شامل می‌شود. تأثیر قابل توجه دیگر ارتباطی که به معنویت اعطا می‌شود، سمبلیسم و جشن در انجمن است که روح آن را تعریف می‌کند و به خوبی فراتر از روشنفکری می‌رود.^۴

^۱ «یک صدای معتبر و جایگزین»: WCC و سایر سازمان‌های جهانی در پنجمین مجمع جهانی اجتماعی، شورای جهانی کلیساها، <<http://www.wcc-coe.org/wcc/what/jpc/wsf-2005-e.html>>، دسترسی ۵ مارس ۲۰۱۱.

^۲ Forum

^۳ رئیس لوی، "Influência e Contribuição"، صص. ۷۸-۹۱.

^۴ همان، ص. ۱۷۹، ترجمه من.

در تقابل کامل با ثبت پنطیکاستی از گفتمان، آلتراگلوبالیسم مذهبی با صدای «سکولار» صحبت می‌کند، الهیات دانشگاهی و تخصیص گفتمان علمی اجتماعی را باهم ترکیب می‌کند تا یک بازتاب دینی مرتبه دوم در امور جهانی و مبارزات اجتماعی ایجاد نماید.^۱

اما مجمع اجتماعی جهانی بسیار از سکوت عمومی از هویت‌های مذهبی و بسیج آگاهی دارد. فراتر از درگیری‌های عمیق گروه‌های مذهبی طی نسخه‌های برزیلی مجمع، جلسات در بمبئی (۲۰۰۴) و نایروبی (۲۰۰۷) به مراتب این واقعیت را تسکین بخشید. از طرف دیگر، این همیشه موردی از سازمان‌های محلی و ملی است که سعی کرده‌اند با کوشش و ترقی در ترکیب دموکراتیک‌سازی رادیکال و بین مذهبی و گفتگوی بین فرهنگی، قدم زدن در یک طناب محکم بین فرضیه همگرایی و همبستگی و فراخوانی برای تمرین احترام آگونیستی به سمت اختلافات غیرقابل برگشت را ترویج کنند.

^۱ یک مورد از گفتمان اکومنیال آلتراگلوبالیست، می‌تواند در ایمان، اقتصاد و برنامه جامعه که توسط شورای کلیساهای آمریکای لاتین (CLAI) حمایت می‌شود، یافت شود. به عنوان نمونه، من به کارگاهی اشاره می‌کنم «بدهی خارجی، وضعیت هنر و گزینه‌های جایگزین برای ساخت معماری مالی بین‌المللی دیگر». این کارگاه در سپتامبر ۲۰۰۷ توسط CLAI و با حمایت Bread For All بنیاد فردریش ابرت (دموکراسی اجتماعی آلمان) و Jubilee ۲۰۰۰ Guayaquil برگزار شد. بیانیه نهایی آن یک تجزیه و تحلیل اقتصادی کاملاً فنی از مسائل مربوط به بدهی خارجی کشورهای آمریکای لاتین است، بدون اینکه اثری از زبان کلامی باشد (ر.ک. http://www.clailatino.org/fes/deudaexterna2007/documento_final.html). این بیانیه به وضوح موضع چپ را بیان می‌کند و کلماتی را نمی‌گوید که خوانندگان مذهبی چگونه باید تجزیه و تحلیل را با ایمان یا ارزش‌های معنوی خود مرتبط کنند. این متن واقعاً با مخاطب متفاوتی هدف گرفته شده است: حکومت و نخبگان سیاسی آمریکای لاتین. بیانیه دیگر اعلامیه گواتمالا (اکتبر ۲۰۰۸) است که نتیجه مشاوره AGAPE در رابطه با پیوند فقر، ثروت و بوم‌شناسی است: چشم‌اندازهای دنیوی در آمریکای لاتین و کارائیب، با حمایت شورای جهانی کلیساهای، کلیساهای، شورای کلیساهای در آمریکای لاتین و شورای جهانی مسیحیان گواتمالا (رجوع کنید به <http://www.oikoumene.org/fa/res/document/wcc-programmes/> منابع - شهادت - خطاب - قدرت - تأییدکننده - صلح / فقر - ثروت - و محیط زیست / پارادایم نئولیبرال - / شگفتی - مشاوره - گواتمالا - اعلامیه.html).

در عوض، صدای پنطیکاستال تمایل دارد به مزیت اظهارات و معتبر پیشوایان و نمایندگان سیاسی، یا فعالیت از طریق رسانه‌ها و دوره‌های اجتماعی. علاوه بر این، توجه الهیاتی گفتمان اکومنیستی نیز به دستور زبان کشف یا تشخیص متوسل می‌شود، زیرا پویایی اساسی «پادشاهی خدا»^۱ در میان چیزها - در زندگی روزمره و همچنین در شیوه‌های سیاسی و اقتصادی، به صورت محلی و به صورت فلسفی اتفاق می‌افتد. به این معنا، گرچه ثبت گفتمان به میزان قابل توجهی تغییر می‌کند، باورهای فراگیر پنطیکاستال مبنی بر اینکه دین در کل زندگی است، در تمدن دینی نیز وجود دارد و این امکان را فراهم می‌کند تا گفتمان‌های عدالت اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست، معیشت پایدار، فرهنگی و مذهبی را بیان کند. کثرت‌گرایی^۲ و حکمرانی جهانی مبتنی بر مشارکت قدرتمند جامعه مدنی است.

آلترگلوبالیست‌ها بافت بومی را در نظر می‌گیرند، از جمله سطح کلیساها، به عنوان مکان‌هایی که نبردهای ارتباطات و بسیج در آن اتفاق می‌افتد و ایجاد زنجیره‌های هژمونی معادل‌سازی و استخدام فعالان؛ اما دوباره منطق متفاوت است: کلمات نوشته‌شده گفتمان غالب را تشکیل می‌دهند؛ آغازگرها تهیه‌شده و کارگاه‌هایی برای مطالعه این منابع در کلیساها برگزار می‌شود. اینجاست که صراحتاً بیشتر الهیات در آن است، برخلاف موعظه عاطفی که هدف آن پاسخ‌های سریع عواطف فردی است.

سازمان‌های جهانی در آمریکای لاتین با میزان آگاهی بالا از ماهیت سیاسی، نه تنها نئولیبرالیسم جهانی را به عنوان دشمن اصلی خود نشان داده‌اند، بلکه از مفصل‌بندی گفتمان همبستگی در ربط وثیق بومی و جهانی نیز خبر داده‌اند. این به معنای شرط‌بندی در ظهور آغازهای کوچک در نقاط خاص، به گفته اسکوبار^۳ است و درگیر شدن در اتصالات بافته شده و استراتژی‌های ترغیب‌کننده برای ایجاد گفتگو با شرکای جدید. آن‌ها گره‌های شبکه موجود را دنبال می‌کنند و همچنین از فناوری ارتباطی و هم از

^۱ 'kingdom of God'

^۲ pluralism

^۳ Escobar

طیف جلسات بین‌المللی استفاده می‌کند، جایی که تعداد فزاینده‌ای از «نمایندگان جامعه مدنی»^۱ مفهوم «حرکت حرکات»^۲ را حداقل قابل تصور ساخته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

مدل‌های مذهبی پاسخ به جهانی‌سازی و هژمونی نئولیبرالیسم^۳ در زمینه پیچیده‌ای شکل می‌گیرند و شامل ابعاد و استراتژی‌های بومی و جهانی می‌شوند. رویه‌های مفصل آن‌ها مستلزم تمرکز غیر ارضی بر مبنای دیدگاه‌های سنتی‌تر از مأموریت به‌عنوان پیروی استوار است و به دنبال کنترل قدرت دولت یا مدل‌سازی شبکه‌های بسیج مذهبی است که از فرهنگ‌های جنبش اجتماعی ترسیم می‌شود. راه‌هایی که چنین پاسخ‌هایی در آن منعکس شده و یا در برابر چنگال فرهنگ مصرف‌کننده و تغییر بیش‌ازحد در زندگی اجتماعی مقاومت می‌کند، همان‌طور که نشان داده‌ام متفاوت است، اما آن‌ها از طریق شباهت‌ها و تضادهایی که زیربنای رابطه آگونیستی است و بین آن‌ها آشکار می‌شود، نیز، به خانه آورده می‌شوند.

شباهت‌ها عبارت‌اند از: یک دستور زبان‌شناختی مشترک: جنگ معنوی پنطیکاستی در مقابل عقاید ایدئولوژیکی / الهیاتی جهانی نئولیبرالیسم^۴؛ ثبت یک گفتمان ضد بت‌پرستی، چه در شیاطین پنطیکاستی^۵، از فساد یا جواز اخلاقی، یا در انتقادهای جهانی از ایدئولوژی بازار؛ فراخوانی برای تصمیم‌گیری‌های اساسی در مورد اطاعت از خدا و بهره‌مندی از نجات که اینجا در این دنیا و هم‌اکنون اتفاق می‌افتد.

البته تضادهای مختلفی نیز وجود دارد: تبدیل پنطیکاستی^۶ در مقابل فعالیت اخلاقی اکومنیکی^۷ به‌عنوان ظهور شایسته اطاعت از خدا؛ دوگانگی کیهان‌شناسی در مقابل تفسیر چندبعدی و دنیوی از مبارزات روزمره شخصی و اجتماعی؛ سازش‌های عملی با

^۱ civil society representatives

^۲ 'movement of movements

^۳ hegemony of neoliberalism

^۴ ideological/theological contestation of neoliberalism

^۵ Pentecostal demons


^۶ Pentecostal conversion(ism)

^۷ ecumenical ethical activism

ایدئولوژی‌های اقتصادی و سیاسی سکولار در مقابل مقاومت اصولی در برابر نئولیبرالیسم^۱، به‌عنوان یک رویکرد کثرت‌گرایانه به هویت‌های فرهنگی، دیدگاه‌های سیاسی و حالت‌های جامعه.

وصول نتایج نهایی هر طرف از این مقایسه‌ها و تضادها، بسیار دور از انتظار است. سؤالاتی به‌ویژه با توجه به محدودیت‌ها و ابهامات مکرر در مرزها باقی مانده است: آیا معنویت پرنطیکاستی به‌طور واضح یک مورد از نئولیبرالیسم دینی، مخالف موضع آلتراگلوبالیستی است؟ آیا آلتراگلوبالیسم اکومینکی صرفاً جلوه‌ای الهیاتی در گفتمان سکولار جامعه مدنی جهانی است؟ محل تشکیل نئولیبرالیسم (سکولار) در هر دو مورد کجاست؟ آن‌ها از درچه زمینه‌هایی فراتر از نئولیبرالیسم هستند؟ حرکات استراتژیک، رویدادهایی که فراتر از ملاحظات هر یک از طرفین رخ می‌دهد، انتظارات نابجا و تجربیات احتمالی همچنان نقش خود را در آشکار شدن این حامل‌های مهم تغییر روزگار، ایفا خواهند کرد. با سوارشدن یا در مقابل موج نئولیبرال قرار گرفتن، کارگشایی معنوی و جبرگرایی مذهبی در رابطه مشترک، در تلاش مشترکشان جهت تغییر چهره جهان (برای رسیدن) نقش دارند.

^۱ principled resistance to neoliberalism

سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۶)، بهار و تابستان ۱۳۹۸  ۱۰۴